

### متن پرسش

خودشناسی خطرناک‌ترین علمی است که باید آموخت. بر قرین خویش مَفْزَا در صفت کآن فراق آرد یقین در عاقبت (مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۳۵۱۴) شناخت یافتن، بر هر چیزی کسب ماهیت یا چیستی آن چیز است! \_چیستی هر چیزی عارضی بر ذات آن چیز برای مثال شناخت ما از دیدگاه نویسنده یک کتاب در نهایت ایجاد تصویری است در نزد ما که مازاد بر خود آن دیدگاه است. حال تطبیق این تصویر و تصور ما با واقعیت آن نظر، سخن دیگری است. به هر حال دریافت ما از ابژه مورد نظر یک افزوده است. حالا در مورد شناخت خود وضعیت کمی بغرنج تر است اگر ما بخواهیم از خویشتن خود شناختی داشته باشیم، یک تصویری از خود می‌کنیم که مازاد بر اصل است! و این غلط است پس راه درست چیست؟ مولانا بعنوان حکیم و عارف می‌فرماید بر قرین؛ یعنی تصور خود از خود می‌فزا! چرا؟ چون در نهایت این شناخت غلط منجر به دوری خود از خویشتن می‌شود! بی دلیل نیست که بزرگان اذعان دارند «انسان امروزه از خودش در دورترین کیفیت ممکن است» شاید بی مسمی نباشد در پاسخ سوال دورترین کس به انسان کیست؟ بگوییم خودش! مولانا می‌فرماید بر قرین خویش می‌فزا در صفت یعنی خود را بدون هیچ چگونگی بشناسید! بعبارت دیگر شناخت خود از چشم فرا خود! خود را در نسبت با خود نسنجید بلکه خود را در نسب فرا خود بسنجید! یعنی در نسبت با حق، رسول حق، امام حق، فقیه حق. لذا در ابیات بعدی فرمود: نطق موسی بد بر اندازه ولیک / هم فزون آمد ز گفت یار نیک / آن فزونی با خضر آمد شقاق / گفت رو تو مکتوری هذا فراق

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که می‌فرمایید. اتفاقاً نوع معرفت نفس‌هایی که کتاب‌هایی همچون «کیمیای سعادت» به میان می‌آورد و جناب مولوی در آن زمان با آن نوع متون آشنا بودند، عملاً انسان را ابژه خود می‌کند و معرفت نفسی که باید نوعی حضور در نزد خود باشد، به مفهومی از خود تبدیل می‌شود. بر عکس کاری که علامه طباطبایی «رحمت‌الله‌علیه» در کتاب «رساله الولاية» به میان آوردند که باب «عین الربط» بودن انسان را مطرح می‌کنند. انسان در حضوری که با هستی خود نزد خود می‌یابد دائماً از خویش فراتر می‌رود و هستی نامتعین‌اش رو به سوی فردا در صیورت است و رو به سوی آینده طرح‌افکنی می‌کند، در حضوری که لحظه به لحظه فراتر از خودش در خودش حاضر می‌شود و بر اساس انتخابی که می‌کند به خود هویت می‌بخشد و نسبت به هستی تقرب می‌جوید، زیرا انسان با حقیقت هستی نسبت دارد و جهت‌اش به سوی آن است. موفق باشید

